واکنش توئیتری ظریف به روابط سعودی - آمریکایی

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی درتوئیت خود نوشت : ایران – که تازه یک انتخابات واقعی را پشت سرگذاشته است – توسط رییس جمهور آمریکا در آن "مهد دموکراسی و میانه روی" مورد حمله قرار می گیرد. آیا این سیاست خارجی است یا صرفا دوشیدن ۴۸۰ میلیارد دلار از عربستان سعودی؟

معمای ایران در سیاست خارجی آمریکا

علی اسماعیلی اردکانی

ابرار معاصر: مروری سریع بر نحوه مواجهه سه دولت اخیر آمریکا یعنی بوش، اوباما و ترامپ با ایران یک مسئله را به خوبی روشن می‌کند و آن اینکه ایران در سیاست خارجی این کشور همواره بازیگری پیچیده با بازیگردانی معماگونه در منطقه ارزیابی شده است. مهم‌ترین پرسش در این رابطه این است که این شکل از ابهام و معما ناشی از چیست؟ کدام جنبه از رفتار خارجی ایران این ابهام را برای تصمیم‌گیران و تحلیلگران آمریکایی به‌وجود آورده است؟ در نگاه اول می‌توان این ابهام و معما را ناشی از فقدان یک تلاش موفق برای فهم ماهیت سیاست خارجی ایران دانست. ۲ اصل اساسی فهم منطق سیاست خارجی ایران عبارتند از:

الف) به‌رسمیت شناخته شدن جایگاه این کشور در منطقه و نظام بین‌الملل؛

ب) برخورداری از احترام برابر در کنش‌های متقابل

برخلاف فرضیه فوق، به باور بعضی از تحلیلگران مهم‌ترین عامل در جهت‌دهی به سیاست خارجی آمریکا در مواجهه با ایران، صرفاً تعدد تاکتیک‌ها و نگرش نخبگان مختلف در رأس کاخ سفید است. به‌عبارتی‌دیگر این تحلیلگران معتقدند سیاست‌های نومحافظه‌کاران و دموکرات‌ها در واکنش به تحولات در ابعاد بین‌المللی و منطقه‌ای این جهت دهی را مشخص می‌کند؛ اما تداوم این ابهام نشان می‌دهد، علی‌رغم اینکه آمریکا تقریبا به یک رویکرد استراتژی مشخص در مقابل کشورهای منطقه (عراق، پاکستان، سوریه، عربستان و غیره) رسیده، ایران در این سه دوره همواره به‌عنوان یک معما در سیاست خارجی این کشور مطرح بوده است.

نخبگان سیاست خارجی و استراتژیست‌های بوش پسر با نگاهی واقع‌بینانه رمانتیک تلاش کردند ایران را با برچسب «محور شرارت» در انزوای بین‌المللی قرار دهند. این نخبگان درست بعد از غافلگیری عجیب در غرب آسیا به خصوص در عراق دست یاری به‌سوی ایران دراز کردند. درخواست آمریکا با توجه به نگاه واقع‌بینانه ایران به مسائل منطقه‌ای و همچنین اولویت ثبات‌بخشی به غرب آسیا تائید شد. دراین‌راستا همکاری موردی با آمریکا در عراق و افغانستان در دستور کار ایران قرار گرفت.

نخبگان و استراتژیست‌های اوباما با نگاهی واقع‌بینانه آرمان‌نگر ابتدا ایران را به‌عنوان یک مشکل شناسایی کردند، ولی شناسایی این مشکل همراه با اعتراف به جایگاه فرهنگی، نظامی و در یک کلام قدرت بازیگری و بازیگردانی ایران به‌عنوان یک هژمون در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی بود. در این دوره به‌طور خاص نگرانی‌هایی بابت نزدیکی چین و ایران با توجه به دو متغیر اقتصادی (تأمین انرژی) و سیاسی (راه سوم و نگاه به شرق) وجود داشت. نگرانی از اینکه این دو کشور بتوانند در مقابل فشارهای غرب، ائتلافی سه گانه را با حضور روسیه تشکل دهند.

در این دوره نتیجه نهایی دولت اوباما این بود که نباید ایران را با چین و روسیه تنها رها کرد. ایران باید درصورت امکان و در قالب یک استراتژی برد برد به لیست هم‌پیمانان آمریکا اضافه شود. به‌خصوص که با نزدیکی ایران به چین، محاسبات آمریکا در بخش موازنه ساحلی در خلیج فارس و شرق آسیا برای این کشور پیچیده‌تر می‌شد. این واقع‌نگری و درک از قدرت و جایگاه ایران به شکلی بود که مشاوران دولت اوباما مانند استفن والت، معتقد بودند متحد اصلی و موردنیاز آمریکا در غرب آسیا و در وضعیتی که هر روز اتفاقی در این منطقه رخ می‌دهد نه مصر،ترکیه و عربستان، بلکه ایران است. هرچند که به دشواری رسیدن به این اتحاد، بعد از ۳۵ سال قطع همکاری و ارتباط اعتراف داشتند.

در دروه ترامپ، اما این شناخت تا این لحظه بیشتر حاصل یک سوبرداشت بوده است. به‌عبارتی‌دیگر، شناخت از ایران در این دوره شناختی صرفاً رمانتیک و غیرواقع‌بینانه است. این نوع شناخت که حاصل تلاش همسوی عربستان رژیم صهیونیستی در جهت‌دهی به استراتژی دولت ترامپ در سیاست‌های منطقه‌ای است، نتوانسته به تحلیلی دقیقی از فهم بازیگری ایران در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس برسد. اظهارات متناقض رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، رئیس سازمان سیا و همچنین استراتژیست‌ها و نخبگان این دولت در دوره زمانی چند ماهه نشانگر این نوع شناخت از سیاست خارجی ایران است.

مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر سردرگمی دولت ترامپ در مواجهه با ایران عبارتند از:

۱.غیرقابل انکار بودن نقش و جایگاه ایران در منطقه به‌عنوان یک قدرت تاثیرگذار؛

۲. نقش لابی عربستان و رژیم صهیونیستی در بازنمایی ایران به‌عنوان یک تهدید فوری و جدی.

در ادامه به توضیح این دو متغیر می‌پردازیم:

ـ ایران همواره ثبات در منطقه غرب آسیا را مهم‌ترین هدف رفتار خارجی خود اعلام کرده است. این کشور هیچ‌گاه در منطقه آغازگر منازعه و جنگ نبوده و توانایی‌های نظامی مستقل خود را درزمینه دفاعی به‌کار گرفته است؛ بنابراین آمریکا با پذیرفتن واقعیت جایگاه ایران در منطقه و همچنین فهم بن‌مایه سیاست خارجی ایران که براساس احترام متقابل با همسایگان و کشورهای جهان است، بهتر می‌تواند سیاست‌های اعلامی و اعلانی خود را در مواجهه با ایران پیگیری کند.

ـ مشکل ترامپ در مواجهه با ایران این است که کشورهایی مانند عربستان و رژیم صهیونیستی با توجه به سیاست‌های «بازگشت به خانه ترامپ»، نگران وابستگی امنیی نظامی دراز مدت خود به آمریکا هستند و تلاش می‌کنند تصویری از ایران ترسیم کنند که خروجی آن به دوش کشیدن بار امنیتی نظامی این دو کشور توسط آمریکا باشد. این کشورها واقعیت ایران مستقل به‌لحاظ سیاسی امنیتی و نظامی در منطقه را به شکل یک تهدید جدی بازنمایی می‌کنند.

این بازنمایی به آنها کمک می‌کند تا از این میان بتوانند زمینه «سیاست سواری مجانی» خود را در حوزه‌های نظامی امنیتی فراهم کنند.

نکته پایانی اینکه هرگونه اقدام آمریکا و دولت ترامپ بر اساس شناخت رمانتیک فعلی از ماهیت سیاست خارجی ایران می‌تواند یادآور توصیه استراتژیست‌ها و مشاوران ارشد این کشور باشد که معتقدند: «صرفاً یک اشتباه به اشتباهات آمریکا در غرب آسیا اضافه خواهد کرد».

توئیت‌هایی که زیر پای ترامپ خرد می‌شوند

نگاهی به توئیت های گذشته ترامپ نشان می دهد که او از زمان به دست گرفتن زمام امور کاخ سفید بارها حرف‌های خود را نقض و کاملا برخلاف توصیه های خود عمل کرده است.

ترامپ در حالی مقابل ملک سلمان زانو زد تا مدال افتخار سعودی ها را به گردن بیاندازد که پنج سال قبل اوباما را به خاطر خم شدن در مقابل پادشاهان سعودی مورد انتقاد قرار داده بود. «باراک اوباما در انظار عمومی مقابل شاه سعودی خم شده اما دموکرات ها مهارت های دیپلماتیک میت رامنی را به چالش می کشند.» این توییتی است که دونالد ترامپ در اواسط سال ۲۰۱۲ نوشت زمانی که باراک اوباما در مقابل ملک عبدالله سابق خم شد تا مدال افتخاری سعودی ها را به گردنش بیاندازند.

حالا ترامپ همان کاری را می کند که زمانی باراک اوباما را به دلیل آن کار مورد انتقاد قرار داده بود. روز گذشته رئیس جمهور آمریکا مقابل پادشاه سعودی خم شد تا او نیز همانند باراک اوباما مدال افتخار سعودی ها را به گردن بیاندازد. اینکه ترامپ برخلاف حرف های قبلی خود عمل می کند چیزی جدید نیست و در طول چهار ماه گذشته بارها تکرار شده است. برای مثال زمانی که اوباما در سپتامبر ۲۰۱۳ تا آستانه حمله نظامی به سوریه به بهانه جعلی انفجار شیمیایی پیش رفت، ترامپ در توییت خود نوشت: «بار دیگر به رهبران احمق‌مان هشدار می‌دهیم به سوریه حمله نکنید، اگر این کار را بکنید خیلی چیزهای بدی اتفاق خواهد افتاد و از این جنگ امریکا چیزی به دست نمی‌آورد» اما ترامپ زمانی که به قدرت رسید با فراموش کردن توصیه های خود دستور حمله موشکی به یک پایگاه هوایی سوریه را داد.

همچنین می توان به توییتی دیگر از ترامپ می توان اشاره کرد که در آن اوباما را به خاطر بازی گلف مورد انتقاد قرار می دهد. در سال ۲۰۱۴ ترامپ نوشت: «آیا می‌توانید تصور کنید که با وجود مشکلات و دشواری‌ها در آمریکا اوباما تمام روز را گلف بازی می‌کند. او بدتر از کارتر است.» اما رسانه های آمریکایی گزارش دادند ترامپ فقط در یک ماه اول ریاست جمهوری خود حداقل ۶بار گلف بازی کرد. این در حالی است که که روسای جمهور پیشین آمریکا پس از عهده‌گیری ریاست جمهوری تا چند ماه فرصت بازی گلف را نداشته‌اند. از دیگر توییت های ترامپ که بعدا به صورت آشکاری توسط خودش نقض شد و بازتاب زیادی در فضای مجازی داشت مربوط به نوع پوشش میشل اوباما در عربستان سعودی است. وی در ژوئن ۲۰۱۵ نوشت: « مردم زیادی می‌گویند خیلی عالی بود که خانوم اوباما از پوشیدن روسری در عربستان سعودی سرباز زد، اما این کار توهین به سعودی‌ها بود. ما به اندازه کافی دشمن داریم.» تقریبا دو سال پس از این توییت، همسر و دختر ترامپ که او را در سفر به عربستان همراهی می کنند بدون حجاب وارد ریاض شدند. از این دست توئیت های ترامپ زیاد پیدا می شود که بعدا توسط خودش نقض شده اند. بر همین اساس می توان نتیجه گرفت ترامپ یا «فراموشکار» است یا «دروغگو» و نباید با حرف‌هایش بلکه باید براساس اقداماتش قضاوت شود.

ریاض مرکز جهانی مبارزه با افراط گرایی!

روزنامه الشرق الاوسط نوشت: هدف اصلی از ایجاد این مرکز؛ مقابله با رواج گرایش های افراطی ایدئولوژیکی و حمایت از تحکیم اصول اسلامی میانه رو در جهان است.گفتنی است توافق برای ایجاد این مرکز، به هنگام دیدار روز شنبه ملک سلمان بن عبدالعزیز شاه عربستان با دونالد ترامپ رئیس جمهوری جدید آمریکا که برای اولین بار به ریاض سفر کرده حاصل شد.

انتظار می رود افتتاح این مرکز پس از پایان فعالیت های کنفرانس‌های ریاض علنا اعلام شود.خالد الجار الله معاون وزیر امور خارجه کویت گفت: ایجاد مرکز جهانی مبارزه با تندروی و افراطی گری، نتیجه تلاش های کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و عربستان سعودی و اقدامات بی وقفه آنان برای مبارزه با خشونت و تروریسم در منطقه و جهان باشد.وی افزود: انتظار می رود این مرکز نقش حیاتی و فعالی در مبارزه با افراطی گری و از بین بردن افکار تروریستی در منطقه داشته باشد. چنین تصمیمی در شرایطی اتخاذ شده است که عربستان سعودی خاستگاه یکی از افراطی ترین و خطرناک ترین عقاید و افکارو تغذیه کننده فکری بسیاری از گروهها و فعالیت های تروریستی به شمار می آید. تفکرخطرناکی که امروزه به عنوان وهابیت شناخته شده درعربستان سعودی جایگاه مستحکمی دارد و درواقع ریشه شکل گیری و تشکیل گروههای افراطی و تروریستی مانند القاعده، داعش، النصره و دهها گروه تروریستی دیگر است که نه تنها کشورهای مختلف منطقه را به آشوب کشیده؛ بلکه فعالیت های آنان در بسیاری از کشورهای جهان موجب گرفته شدن جان هزاران تن از افراد بیگناه شده است.

وزیر خارجه لبنان: از بیانیه پایانی ریاض غافلگیر شدیم

جبران باسیل وزیر امور خارجه لبنان در صفحه رسمی خود در توییتر نوشت: از مضمون بیانیه ریاض اطلاعی نداشتیم و طبق اطلاع ما قرار نبود بیانیه ای پس از نشست صادر شود و ما از صدور این بیانیه ومحتوای آن هنگام بازگشت در هواپیما مطلع شده و غافلگیر شدیم.

وزیر امور خارجه لبنان افزود: ما به سوگند خود و بیانیه وزارتی و سیاست دوری لبنان از مشکلات خارجی و دور کردن این مشکلات از کشور، برای حمایت از مردم و وحدت آن پایبند هستیم.

شرکت کنندگان در نشست ریاض در بیانیه پایانی، ادعا کردند که جمهوری اسلامی ایران در حال بر هم زدن امنیت و ثبات درمنطقه و جهان است.

سران حاضر در نشست ریاض همچنین در ادامه ادعاهای خود، ایران را به دخالت در امور داخلی دیگر کشورها متهم کردند ومدعی شدند که ایران توافق وین را نقض کرده است.

این بیانیه از سازماندهی ۳۴ هزار نظامی به عنوان نیروی احتیاط برای طرح ادعایی حمایت از عملیات ضد تروریسم در عراق و سوریه حمایت کرد.

عربستان حامی مالی داعش در شمال افغانستان است

نماینده پارلمان افغانستان طی اظهاراتی اعلام کرد که عربستان و قطر از گروه تروریستی داعش در شمال افغانستان حمایت مالی می کنند.

به گزارش الوقت به نقل از اطلس ،«جعفر مهدوی» نماینده پارلمان و رهبر حزب ملت افغانستان گفت: گروه داعش در افغانستان تحت حمایت مالی عربستان سعودی و قطر قرار دارد و اعضای این گروه تروریستی با کمک آنها به شمال افغانستان انتقال داده شده‌اند.

وی افزود: این دو کشور پس از شکست گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق حالا از این گروه به ویژه در شمال افغانستان حمایت می کنند.این نماینده پارلمان افغانستان تاکید کرد: دولت وحدت ملی افغانستان به دلیل ضعف و مدیریت ناسالم، توانایی مهار تروریست‌ها در این کشور را ندارد و ادامه این وضعیت افغانستان را به سوریه دیگری تبدیل خواهد کرد. این در حالی است که چند روز قبل «عطا محمد نور» والی ولایت «بلخ» و رئیس اجرایی جمیعت اسلامی افغانستان در نشست سران این حزب گفته بود که پروژه داعش در شمال افغانستان در حال عملی شدن است اما دولت وحدت ملی هیچ برنامه‌ای برای سرکوب این گروه تروریستی در شمال این کشور ندارد.با این وجود آمریکا با تقویت داعش متهم به تلاش برای ناامن سازی اطراف روسیه با استفاده از شمال افغانستان است.

کشته شدن ۱۵ تن از اهالی رقه در حمله ائتلاف آمریکا

ستاد "رقه در سکوت ذبح می شود" با اعلام این خبر تاکید کرد: جنگنده های ائتلاف بین المللی که داعیهٔ مبارزه با داعش داشتند، روستای کدیران در حومهٔ غربی رقه را بمباران کردند که در این بمباران، ۱۵ غیرنظامی کشته شدند.

فعالان سوری نیز خبر دادند روستای المنصوره که در نزدیکی کدیران واقع شده است نیز هدف ۱۰ حملهٔ هوایی جنگنده های ائتلاف قرار گرفت و بمباران این روستا خسارت های سنگینی در آن برجا گذاشت. مردم این روستا، از ترس تکرار این حملات، خانه های خود را رها کرده و آواره شدند.

یک کودک شش سالهٔ سوری نیز روز یک شنبه، بر اثر شدت جراحات، در بیمارستان جان باخت. این کودک، در حملهٔ هوایی جنگنده های ائتلاف بین المللی به روستای دبی فرج در غرب شهر الطبقه در استان رقه زخمی شده بود.

از سوی دیگر، عناصر گروه تروریستی داعش، پل الرومانیه در شمال رقه را منفجر کردند تا از پیشروی گروه مسلح "نیروهای دموکرات سوریه" به سمت رقه پایتخت داعش جلوگیری کنند.

آزمایش بالستیک جدید در کره شمالی

روسیاالیوم روز دوشنبه به نقل از خبرگزاری مرکزی کره شمالی گزارش داد، "کیم جون اون" رهبر کره شمالی از نزدیک روند این آزمایش موشکی را نظارت می کرد.

این خبرگزاری، نوع موشک آزمایش شده را از نوع زمین به زمین "بوکگوکسونگ – ۲" عنوان کرد که به وسیله سوخت خشک کار می کند و از سایت موشکی متحرک در نزدیکی منطقه پوکچانگ واقع در استان پیونگان در جنوب کره شمالی پرتاب شده است.

در همین حال، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح کره جنوبی روز "یکشنبه" با تایید این آزمایش، اعلام کرد این آزمایش از نقطه‌ای در نزدیکی منطقه پوکچانگ واقع در استان پیونگان در جنوب کره شمالی انجام شد.

این مقام ارشد نظامی کره جنوبی، متحد واشنگتن در شرق آسیا، به جزئیات بیشتری در مورد این آزمایش اشاره نکرد اما گفت موشک پرتاب شده مسافتی حدود ۵۰۰ کیلومتر را به سمت شرق طی کرده است. ایالات متحده آمریکا نیز گفته است از این جدیدترین آزمایش موشکی پیونگ یانگ آگاهی دارد. آزمایش موشکی امروز حدود یک هفته پس از آن صورت می‌گیرد که کره شمالی یک موشک با برد متوسط را با موفقیت آزمایش کرد؛ موشکی که پیونگ یانگ می‌گوید قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای دارد.

کره شمالی سال گذشته نیز دو آزمایش هسته‌ای انجام داد که احتمالا توانایی آن کشور را برای ساخت کلاهک هسته‌ای که به اندازه کافی برای نصب بر روی موشک‌های با برد بلند سبک باشد، تقویت کرده است.

آزمایش های موشکی و هسته ای اخیر پیونگ یانگ واکنش تند جامعه بین المللی، به ویژه ایالات متحده، را به دنبال داشته که خواستار اعمال تحریم های سنگین تر علیه این کشور منزوی در شرق آسیا شده‌اند.

شهر حمص به طور کامل آزاد شد

نیروهای ارتش سوریه شهر حمص را از تروریست‌ها بازپس گرفته و این شهر را به طور کامل تحت کنترل خود در آوردند. بر اساس این گزارش، آخرین کاروان حامل عناصر مسلح امروز یکشنبه از حمص به سمت جرابلوس حرکت کرده است.یک منبع در پلیس سوریه به خبرنگار "اسپوتنیک" گفت که پس از خروج آخرین کاروان حامل عناصر مسلح از محله الوعر حمص، عملیات پاکسازی این شهر از مین و مواد منفجره آغاز خواهد شد. حمص شهری واقع در غرب سوریه و یکی از مهم ترین شهرهای استراتژیک این کشور است. این شهر طی مدت سه سال تحت سیطره تروریست ها بود.

تشکیل نشست اضطراری شورای امنیت در پی آزمایش موشکی جدید کره شمالی

این نشست به درخواست آمریکا، کره جنوبی و ژاپن تشکیل خواهد شد.

هیات نمایندگی دائم اروگوئه در بیانیه خود تاکید کرد که محوریت این نشست، آزمایش موشکی روز یکشنبه کره شمالی است.

ستاد مشترک کره جنوبی ظهر امروز مدعی شده بود که کره شمالی دست به شلیک موشکی زده که به نظر می رسد از نوع بالستیک باشد. بنا به گزارش های منتشر شده، این موشک از سایت نظامی «پوکچانگ» در جنوب استان «پیون گان» کره شمالی شلیک شده است.منابع نظامی کره جنوبی اعلام کرده اند که موشک یاد شده مسافت حدود ۵۰۰ کیلومتر را در جهت شرق پیموده و سپس در دریای ژاپن سقوط کرده است. کره شمالی در ماه جاری میلادی دو موشک دیگر هم شلیک کرده بود که بر اساس اعلام پیونگ یانگ یکی از آنها قادر به حمل کلاهک های سنگین هسته ای بوده است. آخرین موشک شلیک شده از نوع بالستیک میان برد است که هفته گذشته در حریم هوایی کره شمالی پرتاب شد و تا بیش از ۲ هزار و ۱۰۰ کیلومتر اوج گرفت و ۷۸۰ کیلومتر طی مسیر کرد. این کشور بر اساس قطعنامه های سازمان ملل از توسعه فناوری موشک های اتمی و بالستیک منع شده و به همین سبب هدف تحریم های شدید شورای امنیت قرار گرفته است.

یادداشت

تلاش سعودی - آمریکایی برای ناتوی عربی

رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا در این رابطه می‌گوید: «بسته تجهیزات دفاعی از امنیت بلندمدت عربستان و کشورهای خلیج‌فارس پشتیبانی می‌کند.» اگرچه هدف از این قرارداد ۱۱۰ میلیارد دلاری «انزوای ایران» و «از میان بردن نفوذ ایران» عنوان شده است، اما «جیمز بیز» گزارشگر الجزیره می‌نویسد این توافق برای هر دو طرف «برد- برد» بود. او بر این باور است که در این قرارداد تسلیحاتی فقره‌هایی هست که اوباما تمایلی به فروش آنها به عربستان نداشت؛ اما در دوران ترامپ او هیچ محدودیتی برای این فروش قائل نیست.

بیز می‌افزاید: «دو طرف قصد دارند روابطی را که در دوران اوباما خدشه دیده بود، به مسیر پیش از اوباما سوق دهند.» گزارشگر الجزیره به نقل از مقام‌های سعودی می‌گوید: «از آنجا که اوباما عربستان و منطقه را ترک کرده بود، اکنون تصمیم بر این است که جهانیان بدانند که آنها دارند به مسیر سابق باز می‌گردند.» وزیر خارجه عربستان در یک کنفرانس مطبوعاتی با همتای آمریکایی خود گفت که دو کشور «بیانیه چشم‌انداز استراتژیک مشترک» را امضا کرده‌اند. الجبیر مذاکرات دو کشور را «روزی تاریخی در روابط میان پادشاهی سعودی و ایالات‌متحده آمریکا» دانست و افزود: «ما معتقدیم که شروع نقطه عطف در روابط آمریکا با جهان عرب و اسلام فرارسیده است.» الجبیر گفت: این توافق ۱۱۰ میلیارد دلاری بخشی از یک معامله تجاری گسترده‌تر است. وی افزود: «حجم این سرمایه‌گذاری‌ها به ۳۸۰ میلیارد دلار می‌رسد.» او ادعا کرد که این معاملات می‌تواند صدها هزار شغل در آمریکا ایجاد کند.

شرکت جنرال الکتریک هم علام کرد قراردادهایی امضا کرده که ارزش آن به ۱۵میلیارد دلار می‌رسد. این معامله در اولین مقصد سفر ۸روزه‌ای ترامپ منعقد شد. او قرار است به بیت‌المقدس و واتیکان هم برود و دیداری هم با رهبران اروپایی داشته باشد. ملانیا ترامپ، همسر رئیس‌جمهور آمریکا، هم در فرودگاه ملک خالد در ریاض مورد استقبال ملک سلمان پادشاه عربستان قرار گرفت. پس از استقبال و تشریفات دیپلماتیک معمول، رئیس‌جمهور آمریکا به کاخ سلطنتی برده شد و مذاکرات آغاز شد. او پس از دیدار با سلمان، با دو ولیعهد این کشور هم دیدار کرد. این دیدار برای ریاض حائز اهمیت فراوان است؛ چرا که آمریکا، عربستان را متحد کلیدی خود در منطقه می‌داند. ظاهرا این سفر برای دلجویی از مقام‌های سعودی و ترغیب آنها به انعقاد قراردادهای تسلیحاتی انجام شده است.

ترامپ در سفر به عربستان با یک تیر می‌خواهد چند نشان بزند. او علاوه بر امضای قراردادهای گسترده و سرازیر کردن دلارهای نفتی به سوی کشورش، ضمن انتقاد از اوباما به‌دلیل نادیده گرفتن متحدان عرب، می‌خواهد جای پای اوباما هم بگذارد. سفر او به عربستان یادآور سفر اوباما به مصر است. همان‌طور که اوباما در سفر به مصر وارد مسجدی شد و از آنجا جهان اسلام را مورد خطاب قرار داد و سعی می‌کرد چهره‌ای از آمریکا ارائه دهد که با اسلام دشمنی ندارد، ترامپ هم با سفر به عربستان می‌خواهد این پیام را به دنیا منتقل کند که آمریکا سر ناسازگاری با اسلام ندارد. با این حال، سفر ترامپ به عربستان در شرایط زمانی و منطقه‌ای مهمی انجام شده است.

گاردین در گزارشی به قلم «مارتین چولوف» می‌نویسد: «عربستان برای آمریکا یک نماد است.» نمادی از یک رابطه گسترده که می‌تواند مبنایی برای کشورهای عربی دیگر باشد. چولوف معتقد است این قراردادهای پرزرق و برق پس از ۳۶ دور مذاکره به سرانجام رسید و با سخنرانی دیشب (یکشنبه) ترامپ در مورد اسلام مهر تایید و خاتمه‌ای بر این قرارداد خورد. بهترین بیان از قراردادهای آمریکا در عربستان در بیانیه آمریکا مطرح شد: «این قرارداد به روشن‌ترین وجهی تعهد آمریکا به شراکت با عربستان و سایر شرکای خلیج‌فارس را نشان می‌دهد و در عین حال، فرصت‌های زیادی برای شرکت‌های آمریکایی در منطقه و در خاک آمریکا ایجاد می‌کند. همزمان پشتیبان ده‌ها هزار شغل در صنایع دفاعی آمریکا خواهد بود.»

گاردین همچنین معتقد است که ترامپ با سفر به عربستان و سخنرانی در مورد اسلام هم به‌دنبال تاثیرگذاری بر روحانیون وهابی است و هم به این وسیله می‌خواهد بر دولت‌های حامی عربستان و توده‌های عرب تاثیر بگذارد. چولوف می‌نویسد: «روحانیون سعودی رویکردی مخالف در برابر ادعاهای ضداسلامی آمریکا در پیش گرفته‌اند» و با توجه به پیوند سیاست با دیانت در عربستان و ترس از اینکه ممکن است روحانیت وهابی به تاثیرگذاری منفی بر نخبگان حاکم بپردازد یا تاثیراتی منفی بر روابط دو کشور بر جا بگذارد، ترامپ تصمیم گرفت تا «تصویری که از خود و کشورش نزد مردم و دولتمردان عربستانی نقش بسته و او را فردی اسلام‌هراس معرفی می‌کند، بزداید.» بنابراین تصمیم به سفر به عربستان هوشمندانه انتخاب شد تا از قدرت نرم و تاثیرگذاری عربستان بر همتایان اهل سنت خود در کشورهای دیگر عربی بهره‌برداری کند و این پیام را مخابره کند که «آمریکا کشوری اسلام هراس نیست».

پاورقی

ترکیه و فلسطین در آینه تاریخ

از زمان دستیابی حزب عدالت و توسعه به قدرت در ترکیهع نوعی توازن در روابط ترکیه با اسرائیل و فلسطینی‌ها پدید آمد. می‌توان گفت منحنی این روابط به نفع همراهی بیشتر با مسئله فلسطین بوده و دیدارهای رسمی مقامات ترکیه از فلسطین، افزایش یافته است. حزب عدالت خود را بین دو جریان نیرومند متضاد احساس می‌کند، از یک سو پایگاه انتخاباتی حزب ایجاب می‌کند قویاً از مسائل اعراب و مسلمانان و به ویژه مسئله فلسطین حمایت کند و با اسرائیل دشمنی ورزد، در حالی که حزب احساس می‌کند عوامل دیگری وجود دارد که ادامه رابطه با اسرائیل را بر آن تحمیل می‌کند مانند نیروهای نظامی ترکیه، تمایل حزب به رابطه ممتاز با اروپا و ورود به اتحادیه اروپا و خشمگین نساختن آمریکا. از سوی دیگر، ساختار لائیک کشور، نظام قضایی و نفوذ رسانه‌ای نیرومند سایر جریانات، مانع اتخاذ سیاست‌های اسلامی آشکارتر می‌شود.

ترکیه در سال ۲۰۰۵، تلاش نمود تا براساس معیارهای خود سیاست‌های متعادل‌تری اتخاذ نماید. در تاریخ ۴ ژانویه ۲۰۰۵، عبدالله گل، وزیر خارجه وقت ترکیه از مقر دولت خودگردان فلسطین در رام‌الله بازدید نمود و پس از ملاقات با مسئولان فلسطینی، در رام‌الله اظهار داشت: «روش‌هایی را که اسرائیل بر ضد ملت فلسطین به کار می‌گیرد، از جمله فشار و محاصره نمی‌تواند موجب ایجاد امنیت و استقرار اسرائیل شود». وی تأکید نمود: «تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی، بهترین راه تأمین صلح و امنیت است و همکاری اسرائیل با حکومت خودگردان فلسطینی برای عقب‌نشینی از نوار غزه و اقدام در راستای اجرای نقشه راه فرصت مناسبی برای پیشبرد روند صلح و بازگشت به میز مذاکره خواهد بود». وی اشاره کرد که ترکیه آمادگی دارد با تمام توان تلاش نماید و برای دستیابی به صلح، به طرفین کمک کند.

عبدالله گل تأکید کرد که امنیت به تنهایی نمی‌تواند موجب صلح در خاورمیانه شود و سیاست اعمال خشونت و ترور، تنها به دشمنان روند صلح کمک خواهد کرد. وی از رهبری فلسطین خواست که برای انجام برنامه‌های اصلاحات تلاش بیشتری به کار گیرد تا بتواند یک دولت نیرومند در فلسطین تشکیل دهد. وی ابراز اطمینان نمود که دولت آینده فلسطین قوی و قادر به پیشرفت در جهت صلح خواهد بود. به نظر ترکیه تنها راه د ستیابی به صلح، توافق جامع مبتنی بر همزیستی بین دو دولت فلسطین و اسرائیل بوده و دستیابی به توافق صلح براساس قطعنامه‌های شورای امنیت و سازمان ملل متحد، بهترین راه‌حل مناقشه اعراب و اسرائیل است. گل تأکید نمود: «ترکیه تا تحقق رؤیای فلسطین و تأسیس یک دولت مستقل، در کنار رهبری و ملت فلسطین خواهد بود و دولت ترکیه همچنان به حمایت خود از طرح‌های توسعه فلسطین ادامه خواهد داد». رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه نیز در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۵، اظهار داشت: «صلح دائمی و جامع در خاورمیانه جزء اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه می‌باشد. ما از پذیرش نقشه راه که به منظور دستیابی به راه‌حلی برای مناقشه اسرائیل و فلسطینی‌ها توسط طرف‌های درگیر ارائه شده استقبال کردیم ولی ضروری است که در این زمینه گام‌های عملی برداشته شود».

اردوغان در دیدار با فرستاده ویژه آمریکا به خاورمیانه، جورج میچل، تأکید کرد که دستیابی به توافق صلح بدون مشارکت جنبش حماس، به عنوان یک طرف اساسی در معادله صلح، غیرممکن است.ترکیه هیچ یک از اقدامات اسرائیل را چه در حرم ابراهیمی و چه در مسجد الاقصی، به رسمیت نشناخته است. احمد داود اوغلو، وزیر خارجه ترکیه ضمن محکوم ساختن این گونه اقدامات اعلام نمود که کمکی به تلاش‌های صلح‌آمیز نمی‌کند.عبدالله گل، پس از انتخاب به ریاست جمهوری و دیدار با جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا در واشنگتن، اظهار عقیده نمود که مهم این است که بوش ابتکار تلاش برای تأسیس دولت فلسطین را خود بر عهده گیرد و با قاطعیت به آن بپردازد. وی افزود: برای موفقیت در این امر، مهم این است که بر جلوگیری از ساخت شهرک‌های جدید تأکید و بر وحدت فلسطین تمرکز نمائیم و بوش «جسارت و شجاعت» به خرج دهد و کار را تنها به آمریکایی‌ها واگذار نکند؛ زیرا «همه باید برای تحقق هدف تأسیس دولت فلسطین در سال ۲۰۰۸، تلاش نمایند».